

## معجزنامه، نوع ادبی کمتر شناخته شده در حوزهٔ شعر شیعی<sup>۱</sup>

اکرم کرمی<sup>۲</sup>

چکیده

شعر شیعی به سبب غنای محتوایی و تنوع مضمونی که از نتایج پیوند سنت‌های ادبی با بن‌مایه‌های فکری، فقهی، کلامی و روایی شیعیان بوده، با کارکردها و رویکردهای متنوعی در انواع مختلف ادبی سروده شده است. همین پژوهش‌های اندک در دیوان‌ها و جنگ‌های شیعی به جامانده از گذشته نشان می‌دهد که شعر شیعی توانسته هم در حوزهٔ شکلی و هم محتوایی، بر تنوع و غنای شعری در ادبیات فارسی بیفزاید. غایت انواع ادبی در شعر شیعی، القای حقیقت فرهنگ شیعی با روش‌های مختلف به مخاطب است. این مقاله بر آن است تاگونه «معجزنامه» را تعریف کرده و فلسفه و کارکرد آن را بیان کند و ضمن ارائه نمونه‌هایی از معجزنامه‌ها از دیوان‌ها و نسخه‌های خطی، به تبیین و تحلیل ساختار و محتوای این گونهٔ شعر شیعی بپرداخته شود. این گونهٔ ادبی سنت سیره‌نویسی و دلایل نگاری است و شاعر سعی می‌کند معجزات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را اثبات کند. استفاده از راوی درون داستانی، ذکر منبع، مشخص کردن مکان رویداد و جلوه‌های مختلف پرسش و خطاب، از جمله شگردهایی هستند که در معجزنامه‌ها به کار گرفته می‌شوند تا ضمن دعوت مخاطب به استماع سخن نقال یا شاعر، بر میزان اعتماد و باورپذیری روایت بیفزایند.

واژه‌های کلیدی: پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، معجزنامه، شعر شیعی.

۱. این مقاله با حمایت صندوق پژوهشگران و فناوران کشور و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به رشتۀ تحریر درآمده است.

۲. دانشآموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس. Akramekarami3845@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

## ۱. مقدمه

شعر شیعی بخشی از شعر فارسی است که بیان‌کننده جنبه‌های ایدئولوژیکی<sup>۱</sup> معنوی و مضمونی خاص و به‌ویژه بن‌مایه‌های متعدد و باورهای بنیادین تشیع بوده که با بیانی هنری و زیبایی‌شناسانه قرین شده است. شاعر شیعی در دایرهٔ فکری تشیع، متعهد به اصول و مبانی فکری شیعیان، دلداده و محب خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup>، ظلم‌ستیز و دشمن با دشمنان اهل‌بیت عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> بوده که در چهرهٔ شاعران اسماعیلیه، شاعران امامیه و شاعران غلاة مطرح است. شعرای شیعی از شعر برای تبلیغ مذهب و باورهای خود در طول تاریخ بهره بردند. این اشعار در مضامین متتنوع و در قالب‌های شعری گوناگون، بخش چشم‌گیری از ادبیات آیینی را از قرن چهارم تا زمان معاصر در بر می‌گیرند. در این پژوهش، این فرضیه مطرح می‌شود که «معجزنامه» به عنوان یک مضمون برجسته در شعر شیعی، ظرفیت بررسی در قالب یک گونهٔ ادبی را دارد؛ البته وجود این نوع ادبی در شعر شیعی منافاتی با وجود مضمون معجزات پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> در اشعار دیگر شعرا، به‌ویژه شعرای اهل تسنن، ندارد؛ زیرا در اشعار شاعران برجستهٔ فارسی، نظیر نظامی گنجوی، مولوی و...، ذکر معجزات نبی اسلام<sup>(ص)</sup> در ساختار و قالب‌های شعری متنوعی دیده می‌شود که در مقدمه یا بخشی از یک اثر شاعر آمده است؛ اما اینکه آیا در ادبیات اهل تسنن، به عنوان یک نوع ادبی مستقل با مشخصات آن بتوان معجزنامه‌هایی یافت، خود پژوهشی دیگر را می‌طلبد. این مقاله برآن است تا «معجزنامه» را براساس دیوان‌ها و جنگ‌های موجود شعر شیعی، در قالب یک نوع ادبی با محتوا و ساختاری که تحلیل خواهد شد، معرفی کند.

---

۱. مقصود از ایدئولوژی «عبارت است از باورهای بنیادین یک گروه و اعضای آن. بنابراین با مقولات ادراکی و شناختی افراد مرتبط است و چگونگی تفکر، تکلم و استعداد فرد و گروه را هدایت می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۸)

## ۲. بیان مسئله و روش پژوهش

گونه‌های مختلف ادبی در طول تاریخ به تدریج شکل گرفته، تحول و تغییر پیدا کرده و بعضی از آن‌ها کار گذاشته شده‌اند. عوامل متعددی در فرایند شکل‌گیری یا کنار گذاشته شدن آن‌ها تأثیر دارد. گونه‌های ادبی گاهی اوقات به سبب علاقه، تمایل و اشتیاق مردم جامعه، به مضمونی خاص سروده شده‌اند. چنان‌که جان فیسک<sup>۱</sup>، نظریه‌پرداز ادبی، «تأکید دارد که قوانین ژانری علائق ایدئولوژیک عصر خودشان را نشان می‌دهند» (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۳۷۸) و گاه «ژانرهای ادبی معلول شرایط وضع جامعه‌ای هستند که از دل آن برآمده‌اند» (همان: ۲۹۴)؛ پس گونه‌های ادبی با نظام‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و عقیدتی جامعهٔ قرنی که در آن ظهور و گسترش و تحول یافته‌اند، ارتباطی چندسویه دارند. معجزنامه که مجموعه‌ای از باورهای فکری و عقیدتی مسلمانان است، نمونه‌ای از این انواع ادبی است که عوامل اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فکری در ایجاد آن نقش داشته‌اند.

معجزنامه برای اثبات رسالت حضرت محمد<sup>(ص)</sup> و به منظور رفع شک و شببه درباره حقانیت ایشان و محکم‌تر شدن ایمان مسلمانان به پیامبر شکل گرفته است. شاعر آگاه شیعی با پیش‌کشیدن معجزات حضرت رسول<sup>(ص)</sup> و تأکید بر جایگاه رسالت ایشان که از جمله باورها و مفاهیم مهم و اصلی در این گونه ادبی است، قصد بیان باورهای بنیادین شیعی را در ذیل این نوع ادبی دارد؛ زیرا مضمون معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> مقبول عامه مسلمین، چه اهل تسنن و چه اهل تشیع است که از نتایج سرایش این نوع ادبی، جذب توده عامه مردم و به نوعی معرفی تشیع در ذیل معجزنامه سرایی است.

ارائه تعریفی جامع و مانع درباره این گونه ادبی مشکل است و شاید مهجوماندن شعر شیعی، انجام نگرفتن تحقیقات علمی و میدانی وسیع در این حوزه، همسو نبودن

مطالعات تاریخی با مطالعات ادبی و عدم تصحیح نسخ خطی شعر شیعی، از جمله عواملی باشند که در ناشناخته‌ماندن این گونه ادبی مؤثرند. شایان ذکر است که در این مقاله، گونه ادبی «معجزنامه» به عنوان یک گونه ادبی در حوزه شعر شیعی، معرفی و بررسی می‌شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. قلمرو این تحقیق بررسی گونه ادبی معجزنامه در متون منظوم فارسی از ابتدای قرن دهم است. در ضمن معرفی گونه ادبی معجزنامه، چند جنگ شعر شیعی نیز معرفی می‌شود.

### ۳. سؤالات پژوهش

سؤالاتی که در این مقاله بررسی می‌شوند، به شرح زیرند:

۱-۳. معجزنامه چه گونه‌ای است و ساختار و محتوای آن چگونه است؟

۲-۳. فلسفه شکل‌گیری و کارکرد گونه معجزنامه چیست؟

### ۴. مبانی نظری

یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها در حوزه ادبیات، تقسیم آثار براساس انواع ادبی است:

«انواع ادبی در ردیف نظام‌هایی از قبیل سبک‌شناسی و نقد ادبی، یکی از اقسام جدید علوم ادبی و به قول فرنگی‌ها، یکی از شعبه‌ها و مباحث نظریه ادبی (Theory of Literature) است و موضوع اصلی آن، طبقه‌بندی آثار ادبی در گروه‌های محدود و مشخص است.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۳)

تقسیم‌بندی آثار ادبی به انواع ادبی (Genres of literature) از چند جهت حائز اهمیت است:

«نخست اینکه طبقه‌بندی آثار ادبی مسیر پژوهش را برای محقق هموار می‌کند و از سوی دیگر، با تشخیص نوع ادبی یک اثر، می‌توان تصور بهتری از موضوع یا ساختار

کلی آن داشت و درک عمیق‌تری از ارزش‌های یک اثر ادبی حاصل کرد. این امر اجازه می‌دهد تا با دیدی مقایسه‌ای، جایگاه آن اثر را نسبت به متون هم‌نوع بسنجیم» (پارسپور، ۱۳۸۱: ۱۲).

دیدگاه‌های صاحب‌نظران و معیارهای آنان در تعریف ژانر متنوع و متعدد است (زرقانی و قربان صباح، ۱۳۹۵: ۲۸۵ به بعد؛ اما می‌توان عمومی‌ترین تعریف آن را اساس قرار داد:

«تعدادی متون که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعدی یکسان پیروی می‌کنند. در این تعریف کوتاه، سه اصل اساسی و بنیادین بیان شده است: تعدد، اشتراک، تمایز. بنابر اصل اول، باید تعدادی متن باشد تا بتوان از ژانر سخن گفت. یک اثر یک ژانر پدید نمی‌آورد. اصل دوم بر ویژگی‌ها و قواعد مشترک آثار تأکید دارد. تا ویژگی مشترکی میان آن تعداد از متون نباشد، ژانر شکل نمی‌گیرد. این ویژگی‌های مشترک ممکن است به فرم، محتوا، کارکرد، انگیزه خلق اثر و مخاطب اولیه مربوط باشد. اصل سوم ناظر است به تمایز که برآیند همان ویژگی‌های مشترک است و میان این طبقه از متون و دیگر متونی که ویژگی‌های مذکور را ندارند، مرزی قراردادی و ذهنی ترسیم می‌کند» (زرقانی، ۱۳۹۶: ۳۸).

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود: منظور از «نوع ادبی» و «گونه ادبی» چیست و آیا در تبیین و تعریف با ژانر متفاوت است؟

قاسمی‌پور ضمن ارائه تعریف هریک از این اصطلاحات، تمایزی میان آن‌ها قائل نمی‌شود: به گفته جان فراو، «گونه عبارت است از مجموعه‌ای از الزامات قالبی، قاعده‌مند و کاملاً سازمان یافته که بر شیوه تولید و تأویل معنا تأثیر می‌گذارد». منظور از الزامات قاعده‌مند این نیست که گونه‌ها همواره قید و بند‌هایی را اعمال می‌کنند؛ بلکه مقصود آن است که گونه‌ها عواملی ساختاری‌بخش هستند که باعث تولید معنا

می‌شود. بنا بر این تعریف، گونه یا ژانر علاوه بر اینکه بر الزامات و الگوهای ساختاری دلالت دارد، به درون مایه‌ها و مفاهیم هم مربوط می‌شود و کارکرد آن محدود و منحصر به مشخصه‌های صوری و شکلی نیست. این نگرش مبتنی بر این امر هم هست که «دانش گونه‌شناختی» فقط شامل آگاهی از ویژگی‌های صوری نیست؛ بلکه شامل چیستی و چگونگی مقاصدی است که گونه‌ها به انجام می‌رسانند (قاسمی‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲)؛ به صورت ساده‌تر، «گونه یا نوع عبارت است از سازمان دهی ویژه‌تر و مشخص‌تر متون با توجه به ابعاد درون‌مایه‌ای، بلاغی و شکل‌شناختی. زیرگونه هم عبارت است از اختصاصی‌شدن و جزئی‌شدن هرچه بیشتریک گونه بر مبنای درون‌مایه‌ای خاص» (قاسمی‌پور، ۱۳۸۹: ۷۱).

چنان‌که دیده می‌شود، تعریفی که از ژانر آمده، بسیار شبیه به تعریفی است که از گونه‌ای‌بی و نوع ادبی ارائه می‌شود. به صورتی که می‌توان کاربرد این سه اصطلاح را یکسان تلقی کرد؛ از این‌رو، در این مقاله، منظور از گونه‌ای ادبی همان نوع ادبی در نظر است.

درباره تمایز گونه‌های شعر شیعی باید گفت که برخی از این انواع ادبی به لحاظ ساختار مشترک‌اند؛ اما از نظر محتوا فرق دارند یا برعکس؛ برای نمونه، انواع ادبی معجزنامه و وفات‌نامه ساختاری یک‌دست و مشابه دارند و تفاوت این دو نوع ادبی در محتوای آن‌ها و در بخش تنہ قصیده است؛ مثلاً محتوای وفات‌نامه حتماً باید داستان مرگ و وفات یکی از ائمه معصومین<sup>(۴)</sup> به شکل داستان باشد؛ اما در معجزنامه داستانی از معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> به شکل قصه نقل می‌شود. ساختار کاملاً یکسان، اما محتوا کاملاً متفاوت است. حال این تمایز در انواع مختلف، به شکل‌های گوناگون دیده می‌شود.

## ۵. پیشینه و اهمیت پژوهش

دربارهٔ معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> در شعر فارسی پژوهش‌هایی انجام شده که ذیل دو دسته می‌توان آن‌ها را بررسی کرد:

۱. آثاری که معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> را در دیوان، سبک یا دوره‌ای خاص، به صورت ویژه و اختصاصی، بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، می‌توان به این دو مقاله اشاره کرد: «معجزات پیامبر اعظم در شعر فارسی» (گلی، ۱۳۸۶) و «معجزات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به روایت متون ادبی» (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۴).

۲. آثاری که با رویکرد گونه‌شناسی، به معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> پرداخته‌اند. در این حوزهٔ پژوهشی، می‌توان به پایان‌نامهٔ مقطع دکتری با عنوان گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار) (نادعلی‌زاده، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

آثاری که در دستهٔ اول قرار می‌گیرند، مضمون معجزهٔ پیامبر را در شعر فارسی تأیید می‌کنند؛ اما معجزات را به عنوان یک نوع ادبی بررسی نمی‌کنند؛ پس این امر نشان از آن دارد که پژوهشی صریح و مستقیم با تأکید بر انواع ادبی و گونه‌شناسی دربارهٔ این موضوع صورت نگرفته است. دربارهٔ آثار دستهٔ دوم، رسالهٔ گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار) می‌تواند تأییدی بر وجود گونه‌های متنوع شعر شیعی باشد. نادعلی‌زاده در این رساله، با توجه به گستردگی محدودهٔ کار و تعداد زیاد شعرای شیعی در عصر صفوی و قاجار، به صورت ضممنی و مجمل، در کنار معرفی انواع متنوع شعر شیعی، ضمن ارائه تعریفی کوتاه از معجزنامه، فقط به ذکر نمونه‌هایی از آن اکتفا کرده است. این رساله در روش و مسیر تحلیل، با روش نگارنده در این مقاله هم‌سویی ندارد.

## ۶. نسخ خطی استفاده شده در این مقاله

### ۱-۶. جنگ شاعران گمنام

نسخه ارزشمند (۱۳۶۰۹) کتابخانه مجلس شورای اسلامی به نام جنگ شاعران گمنام که بیشتر اشعار این جنگ در مدح و منقبت خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup>، به ویژه مولا امیر مؤمنان علی<sup>(ع)</sup> است؛ اما در موضوعات عرفانی، اخلاقی و تغزل نیز سرودهایی در آن دیده می‌شود.

### ۲-۶. تذکرۀ عبداللطیف بیرجندی

تذکرۀ عبداللطیف بیرجندی که با شماره ۵۱۷ سنا در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. این جنگ ارزشمند شیعی در سیزده باب تدوین شده است. بخش عمده جنگ به مدح و منقبت اهل‌بیت پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> اختصاص دارد؛ باب چهارم در مناقب حضرت زهراء<sup>(س)</sup>، باب پنجم در مناقب آل عبا، باب ششم در مناقب امام حسن<sup>(ع)</sup>، باب هفتم در مناقب امام حسین<sup>(ع)</sup>، باب هشتم در مناقب زین‌العابدین<sup>(ع)</sup>، باب نهم در مناقب امام رضا<sup>(ع)</sup>، باب دهم در مناقب امام مهدی<sup>(عج)</sup>، باب یازدهم در مناقب دوازده امام و چهارده معصوم<sup>(ع)</sup> است. اشعار شعرای برجسته شیعی، نظیر ابن حسام خوسفی و سلیمانی تونی، در این جنگ دیده می‌شود. این جنگ هم از نظر شاعران و هم از نظر موضوعات، تنوع چشمگیری دارد.

### ۳-۶. جنگ اشعار شیعی

جنگ اشعار شیعی ۳۵۲۸ دانشگاه تهران، یعنی جنگ علی بن احمد، از جمله جنگ‌های ارزشمند شیعی است. این جنگ توسط زهرا پارساپور و اکرم کرمی تصحیح شده است (پارساپور و کرمی، ۱۳۹۸).

## ۷. معجزنامه چیست؟

معجزنامه یک نوع ادبی کمتر شناخته شده در حوزهٔ شعر شیعی است که تعریفی جامع و مانع از آن وجود ندارد. نادعلی‌زاده سعی در تعریف این نوع ادبی به صورت مجمل دارد؛ از دیدگاه ایشان، معجزنامه‌ها «منظومه‌ها یا سروده‌هایی هستند که در قالب‌های گوناگون، به شرح معجزات و کرامات رسول خدا<sup>(ص)</sup> و ائمهٔ هدی<sup>(ع)</sup> می‌پردازند. بعضی آثار به‌طور کامل این مضمون را شامل می‌شوند؛ ولی در برخی دیگر از آثار می‌توان سروده‌هایی در این موضوع یافت» (نادعلی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

به نظر می‌رسد این تعریف در دو حوزهٔ ساختار و محتوای معجزنامه‌ها اندکی به تأمل نیاز دارد. در این تعریف، آثاری که به شرح کرامات ائمهٔ هدی<sup>(ع)</sup> می‌پردازند، معجزنامه خوانده می‌شوند؛ در حالی‌که معجزه مختص پیامبران است و به‌طور معمول، به خواست مخالفان و ایجاد اطمینان قلبی برای دوستان، به‌شکل امری خارق‌العاده و خرق عادت شکل می‌گیرد. معجزه در لغت به معنای «آن چیزی است که مردم از آوردن آن عاجز باشند» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «معجزه») و «در اصطلاح، معجزه کار خارق‌العاده‌ای است که از سوی انبیا برمی‌آید» (بختیاری و امیری، ۱۳۹۶: ۲۵، به نقل از آذرنوش، ۱۳۹۱: ۶۶۱). اعجاز و معجزه «از اصطلاحات کلامی و به معنای خارق‌العاده همراه با تحدي و مبارزه‌طلبی و سالم از معارضه است که خداوند آن را به دست پیامبر<sup>(ص)</sup> پدید آورد تا نشان راستی رسالت وی باشد» (همان: ۲۵، به نقل از فخر رازی، ۵۱۶۱: ۶۸۹). گاه ممکن است مصدر صدور معجزه شخص پیامبر<sup>(ص)</sup> نباشد؛ بلکه ائمهٔ معصومین<sup>(ع)</sup> باشند. در این صورت، به آن کرامت می‌گویند؛ زیرا از جانب پیامبر<sup>(ص)</sup> صادر نشده است.

«امام فخر رازی به سه تفاوت بین معجزه و کرامت قائل است: ۱. معجزه بر وفق دعوی ظاهر می‌شود؛ ولی در کرامت دعوی نیست؛ ۲. اگر در ظهور کرامت دعوی باشد، دعوی

ولایت است نه نبوت؛ ۳. در کرامت اولیا را حق می‌داند و تفاوت آن را با معجزه در همراه نبودن آن با دعوی نبوت می‌داند» (همان: ۳۰، به نقل از تفتازانی، ۱۴۰۷: ۱۹۹-۲۰۱).

پس «چون خرق عادتی از نبی صادر شود که خلق از آوردن مثل آن عاجز آید، آن را معجزه گویند و چون از ولی خرق عادتی پیدا گردد، آن را کرامت خوانند» (لغت‌نامه دهخدا، ذیل معجزه). با توجه به تفاوت معجزه با کرامت، اگر عملی از سوی ائمه هدی<sup>۴</sup> انجام شده باشد، نمی‌توان از آن به معجزه یاد کرد؛ بلکه کرامات ایشان است و هدف ائمه<sup>۴</sup> از انجام آن کار، تحدی طلبی و نبوت نیست.

در تعریف مسلم نادعلی زاده، نکته درخور تأمل دیگر این است که ایشان هر اثری را که به مضامون معجزات پیامبر اسلام پردازد، خواه کامل و خواه ضمنی، در زمرة معجزنامه‌ها می‌پذیرند؛ درحالی‌که اثری را می‌توان به عنوان یک نوع ادبی معجزنامه پذیرفت که متمرکز بر معجزات نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> باشد. البته ایشان هر شعری را در هر قالبی که با تأکید بر محتوای معجزات پیامبر سروده شده باشد، معجزنامه می‌نامند؛ درحالی‌که شرط در تعیین یک ژانر ادبی، تعدد در قالب با محتوای خاص است.

## ۸. تاریخچه و شرایط عصری شکل‌گیری گونه ادبی معجزنامه

معجزه یکی از سنت‌های مشترک انبیای الهی است که برای اثبات رسالت خویش، به آن متولّ می‌شدند. گاه به حکم آیه ۲۶ سوره بقره، این معجزه از سوی رسولی الهی چون ابراهیم خلیل الله، به منظور اطمینان قلبی، از خداوند درخواست می‌شد. گاهی نیز به حکم آیات ۱۷ تا ۲۳ سوره طه، معجزه از سوی خداوند به رسولی مرسل چون موسی هدیه داده می‌شد. به هر حال، پیامبر اسلام هم جدا از این سنت الهی نیست. خداوند در قرآن کریم که بزرگ‌ترین اعجاز پیامبر اسلام است، به برخی از معجزات ایشان، از جمله معراج (اسراء:۱)، شق القمر (قمر:۲) و... اشاره دارد.

خصائص پیامبر و معجزات ایشان و توجه محدثان به آن موجب شکل‌گیری سیره‌نویسی در تاریخ اسلام شد. محدثان و علماء سعی کردند با بیان معجزات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، موجبات اطمینان قلبی مردم، به ویژه توده عame، به حقانیت رسالت حضرت خاتم را فراهم کنند. این امر سبب شد تا «دلایل نگاری» به عنوان شاخه‌ای از سیره نبوی رونق چشم‌گیری پیدا کند:

«دلایل نگاری یکی از گرایش‌های خاصی است که به هر دو محور، یعنی سیره رسول خدا<sup>(ص)</sup> و سیره امامان معصوم<sup>(ع)</sup> راه یافته است. در این روش، اثبات پیامبری رسول خدا و امامت امامان و نیز بیان سیره ایشان، در قالب بیان دلایل و معجزات آن بزرگواران صورت می‌گیرد. سیره‌نگاری بحسب دلایل، اگرچه از قرن چهارم قمری آغاز گردید، سابقه آن به سال‌ها قبل بر می‌گردد. در اواسط قرن سوم قمری، اشخاصی همچون مدائنه و ابن قتیبه دینوری به این کار اهتمام ورزیدند» (جعفریان، ۱۳۷۹: ۸۶).

دلایل نگاری هم‌زمان با کتابت سیره و مغازی آغاز گردید. البته تا حدودی جامع‌ترین و کامل‌ترین کتب در زمینه دلایل در قرون چهارم و پنجم و اوایل قرن ششم به رشتۀ نگارش درآمد که شرف‌النبی واعظ خرگوشی، دلائل النبوة از ابو نعیم اصفهانی (م ۳۰ ق)، بیهقی (م ۵۸ ق) و قوام السنة اصفهانی (م ۵۳۰ ق) از نمونه‌های آن هستند (بهرامیان و حسینی قمصری، ۱۳۹۲: ۳۶).

کتاب دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة از ابوبکر بیهقی، محدث نامی اهل سنت در قرن پنجم، یکی از مهم‌ترین آثار در سیره نبوی و به ویژه دلایل نگاری است:

«در واقع، داستان زندگی پیامبر اسلام است؛ داستانی که با ارائه روایات گوناگون از حوادث کوچک و بزرگ زندگی ایشان آغاز و پی‌گیری می‌شود. بیهقی در این اثر، یک اصل مهم را مدنظر دارد و آن، اثبات پیامبری حضرت با تکیه بر معجزات ایشان است. او در آغاز

کتاب می‌گوید: "اراده کردم که به خواست خداوند متعال، کتابی درباره برخی از معجزات پیامبرمان و دلایل نبوت او فراهم آورم تا کمکی در راه اثبات رسالت آن حضرت باشد." سبب تمایز این کتاب با دیگر نوشته‌ها در زمینه سیره، ذکر معجزات به صورتی گسترده است که با عنوانی مستقل بیان شده است» (چلونگر و کوهی، ۱۳۹۱: ۷۹).

درباره کتاب شرف النبی اثر خرگوشی نیشابوری باید گفت:

«در الواقع کار جدیدی در حوزه سیره نگاری پیامبر<sup>(ص)</sup> تا آن زمان محسوب می‌شده است؛ زیرا پیش از آن، ضمن مطالب سیره، به معجزات ایشان اشاره می‌شد؛ اما در این کتاب، بابی جداگانه به معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> اختصاص دارد و هر آنچه مربوط به معجزات ایشان می‌شود را در این باب آورده است» (بختیاری و امیری، ۱۳۹۶: ۲۹).

## ۱-۸. پیشینه معجزنامه سرایی

درباره پیشینه معجزنامه سرایی باید گفت: در گذشته مرسوم بوده که ابتدای قصاید و اشعار را به حمد خداوند تبارک و تعالی، توحید ایشان، نعمت نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و ذکر فضایل، مناقب، صفات برجسته، احوال و اعمال شاخص پیامبر، از جمله ذکر معجزات ایشان، زینت می‌داده‌اند. به نظر می‌رسد این اشعار منقبتی که در بخش تغزی قصاید وجود داشته‌اند، کم کم بسط و گسترش پیدا کرده و خود به یک نوع ادبی تبدیل شده‌اند. البته در بیشتر منظومه‌های ادبی فارسی، معراج‌نامه‌ها و نعمت‌ها، اشاراتی به معجزات پیامبر شده که در ایجاد این نوع ادبی قابل طرح است.

درباره علل شکل‌گیری گونه ادبی معجزنامه باید گفت این گونه ادبی با گذر زمان و علاقه مسلمانان، به ویژه شیعیان، به شنیدن معجزات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به منظور شاخص نشان دادن شخصیت پیامبر<sup>(ص)</sup> نسبت به دیگران، نیاز جامعه به درک و فهمی عمیق از معجزات ایشان و «تحت تأثیر شرایط عصور مختلف، از قبیل گسترش

فتوحات، کثرت مسلمانان، کثرت شباهات، ورود اندیشه‌های دیگراندیش و... ایجاد شد» (بختیاری و امیری، ۱۳۹۶: ۲۴). یکی دیگر از دلایل شکل‌گیری این گونه ادبی، وجود و رونق کتاب‌هایی دربارهٔ سیرهٔ پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> با محوریت معجزات ایشان است. در این کتاب‌ها، نویسنده‌گان سعی داشته‌اند با ارائهٔ دلایلی از جنس معجزهٔ نبوت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، برتری ایشان را نسبت به دیگر انسان‌ها نشان دهند. در واقع، «نویسنده‌گان با تأکید و تفکیک معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> از دیگر سیرهٔ ایشان، کتاب‌هایی را به وجود آورده‌اند که به نام‌های آیات‌النبی، اثبات‌النبوة، دلائل‌النبی و اعلام‌النبوة شناخته می‌شوند» (همان: همان‌جا). قبل از قرن هفتم، یکی از مباحث بنیادین فکری در جامعهٔ آن زمان، جدال بر سر اثبات نبوت حضرت محمد<sup>(ص)</sup> بوده که از عوامل ایجاد آن، نهضت ترجمة آثار یونانی به عربی، جدال اهل کتاب با زادقه و دھریون، گسترش دامنهٔ جامعهٔ اسلامی و ورود افراد نومسلمان از ادیان مختلف با تفکراتی وابسته به آن بوده است (ر.ک: بهرامیان و حسینی قمصی، ۱۳۹۲: ۳۷).

از قرن هفتم به بعد، شعرای شیعی به عنوان عناصر فرهنگی و مردمی آن عصر، سعی کردند از شعر به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای برطرف کردن شک و شباهات در این حوزه استفاده کنند. شاعران سعی کردند برای رفع نیازهای جامعهٔ مسلمانان که دستخوش حوادث سیاسی و اجتماعی مختلفی بود، با پرداختن به معجزات پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup>، دلایلی برای حقانیت ایشان و رسالتشان ارائه دهند. قرن هفتم به بعد را باید عصر گذر مفاهیم عمیق دینی از طبقهٔ خواص دینی و حدیثی به سوی تودهٔ عامه مردم دانست؛ زیرا کم‌کم با گذر زمان، این مضامین از طریق شعر و مناقب خوانان، به کوی و بزن راه پیدا کرد.

قبل از قرن هفتم و ظهور حسن کاشی، منطقهٔ خراسان بزرگ، به ویژه منطقهٔ نیشابور، با دو کتاب بزرگ در حوزهٔ معجزنامه‌نگاری متمایز است که ذکر آن گذشت. نکتهٔ جالب این است که حلقهٔ شعرای شیعی هم از قرن هفتم در منطقهٔ خراسان بزرگ، از جمله

نیشابور، تون، خوسف، سبزوار و... دایر بود و بیشتر شاعران شیعی به این نوع ادبی علاقه داشتند. آن‌ها در کنار این نوع ادبی، در اشاعه منقبت و ذکر کرامات حضرت علی<sup>(۴)</sup> و اهل بیت ایشان نیز تلاش می‌کردند. شاید یکی از اهداف ایشان از نقل معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup>، آماده‌کردن ذهن و باور مخاطب برای ذکر کرامات حضرت علی<sup>(ع)</sup> باشد. بنا بر شواهد ابیات معجزنامه، هدف شاعران معجزنامه‌سرا از سرایش این نوع ادبی، محکم‌ترشدن ایمان مسلمانان به پیامبر<sup>(ص)</sup>، رفع شک و شبّه درباره حقانیت ایشان، جذب توده عامّه مردم و به نوعی معرفی تشیع در ذیل معجزنامه‌سرایی است.

درباره اینکه اولین معجزنامه توسط چه کسی سروده شده و مبدع این نوع ادبی کیست، به یقین نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ زیرا در حال حاضر، تمام معجزنامه‌ها در دست نیستند و تمام نسخ خطی تصحیح نشده‌اند؛ اما کهن‌ترین معجزنامه‌ای که پژوهشگر تا زمان حال موفق به تصحیح آن شده، سروده فردی به نام جمال آملی در نسخه خطی ۱۳۶۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که اگر لقب جمال‌الدین را برای حسن کاشی آملی بپذیریم، این معجزنامه احتمالاً سروده حسن کاشی آملی در قرن هفتم است. محمد بن بدر جاجرمی در کتاب مونس‌الأحرار، لقب جمال‌الدین را برای حسن کاشی نقل کرده است (حسن کاشی، ۱۳۸۸: ۲۲). به نظر می‌رسد بعد از ظهور حسن کاشی در قرن هفتم و انقلاب وی در عرصهٔ شعر شیعی، این نوع ادبی نضج گرفته و در اشعار دیگر شاعران شیعی، نظیر سلیمی تونی، آتشی شیرازی، محمد منور و...، به اوج رونق و شکوفایی خود نزدیک شده است.

## ۹. ساختار معجزنامه‌ها

معجزنامه نوعی ادبی بوده که به طور معمول در قالب قصیده سروده شده است؛ البته به استثنای یکی دو نمونه از معجزات که در قالب مثنوی است (ر.ک: سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۱۳). قالب مثنوی، قالبی متعدد و پر تکرار در این نوع ادبی نیست. ازان‌جاکه تعدد در ساختار یا محتوا یا هر دو شرط تعیین یک نوع ادبی است، به نظر پژوهشگر

و با تأکید بر مبانی نظری مقاله، قالب حاکم بر این نوع ادبی قصیده است.

معجزنامه‌ها از نظر ساختاری به سه بخش مقدمه، تنہ اصلی قصیده و شریطه تقسیم می‌شوند. تعداد ایات بعضی از قصاید زیاد است که علت اصلی آن، ذکر داستان در بخش تنہ اصلی قصیده است. برخی از قصاید شعر شیعی به شیوهٔ قصاید مدحی، دارای تغزل، تخلص، تنہ اصلی و شریطه هستند. قبل از ورود به مبحث ساختار معجزنامه، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که آیا کاتبان عنوان معجزنامه را به این نوع ادبی اختصاص داده‌اند یا شعرها خود به این نوع ادبی اشاره داشته‌اند؟

#### ۱-۹. عنوان در معجزنامه‌ها

شعرایی که دربارهٔ موضوع خاصی شعر می‌سرایند، عنوانی برای آن در نظر می‌گیرند؛ برای نمونه، به اشعاری که در وصف بهار سروده شده باشند، «بهاریه» یا اگر به مقتضای نوروز و آداب آن سروده شده باشند، «نوروزنامه» گویند؛ یعنی شاعر براساس محتوا، دست به خلق یک نوع ادبی می‌زند و به طور معمول، این عنوان‌ها در ابتدای اشعار درج می‌شوند. دربارهٔ معجزنامه نیز این حکم صادق است. معمولاً عنوان در معجزنامه‌ها به دو شکل در دیوان‌ها یا جنگ‌های شعری آمده است و آن اینکه شاعر یا قبل از شروع شعر یا در بیت آغازین، در ابتدای شعر اشاره می‌کند که مشغول سرایش «معجزنامه» است:

معجزی زان گفت خواهم من ز معجزه‌های او

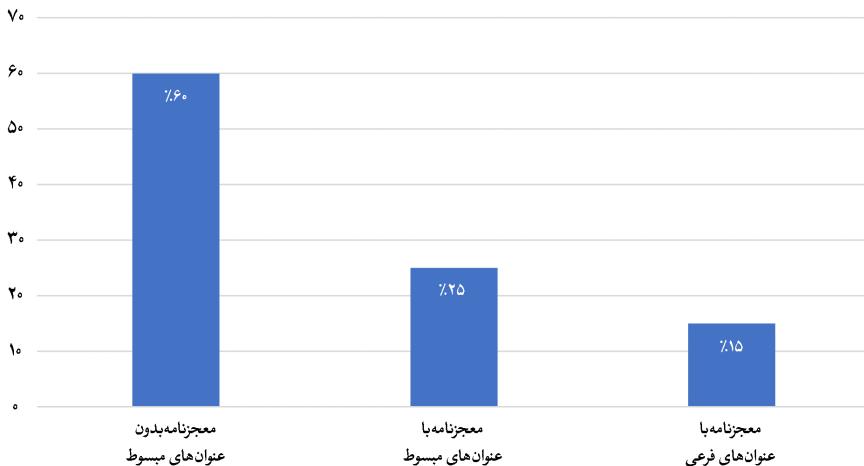
کاین چنین معجزر کس نشنیده باشی هیچ جا

(جنگ، ۱۳۶۰۹، برگ ۳۴۷)

البته این ساختار در تمام معجزنامه‌ها صادق نیست و معجزنامه‌هایی هم دیده می‌شوند که نه تنها عنوان معجزنامه ندارند؛ بلکه شاعر در اثنای شعر هم به معجزنامه سرایی خویش اشاره نمی‌کند؛ ولی ساختار و درون‌مایه شعر با ساختار معجزنامه یکی است و از

درون‌مايه و ساختار می‌توان به نوع ادبی معجزنامه پی برد؛ برای نمونه، یک معجزنامه در جنگ شیعی ۱۳۶۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۳۴۷، با عنوان «فی المنقبة» آمده، اما معجزنامه است. این قصیده ساختاری شبیه به معجزنامه دارد و درون‌مايه آن معجزهٔ پیامبر اکرم (ص) در برابر فردی یهودی به نام عتبه است؛ یا قصیده‌ای دیگر در همان جنگ، در برگ ۱۹۱، با عنوان «فی النصيحة» ذکر شده که از روی ساختار و محتوای آن می‌توان فهمید که معجزنامه است. این نوع ادبی علاوه بر داشتن عنوان معجزنامه، با عنوان‌های دیگری چون «فی المعجز حضرت رسالت» یا «اعجازنامه» نیز خوانده شده است. البته برخی از این شعراء عنوان‌هایی گزاره‌ای یا مبسوط برای معجزنامه‌های خود برمی‌گزیدند، مانند «معجزاتی از حضرت رسول که در مهمانی جابر انصاری ظاهر گشته» (تذکرۀ عبداللطیف بیرجندي، برگ ۲۸) یا «معجز حضرت رسالت پناه که چهار معجزه در یک معجزه آمده است» (جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۴۰۱). یا «قصۀ شق شدن ماه، معجز محمد رسول الله» (همان، برگ ۴۷).

### نمودار فراوانی معجزنامه‌ها با عنوان‌های متنوع



نمودار الف. نمودار عنوان در معجزنامه‌ها

پژوهشگر از میان بیست معجزنامه گردآوری شده، به این نتیجه رسید که حدود ۶۰ درصد از معجزنامه‌ها بدون عنوان مبسوط یا گزاره‌ای بوده و ۲۵ درصد از آن‌ها با عنوان‌های مبسوط و ۱۵ درصد با عنوان‌هایی به غیر از معجزنامه، مانند «فی النعت» و... هستند.

## ۲-۹. مطلع معجزنامه‌ها

معجزنامه‌ها به طور معمول با حمد و ستایش خداوند، نعمت نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و منقبت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و دیگر معصومین<sup>(ع)</sup> شروع می‌شوند. البته معجزنامه‌هایی هم دیده می‌شوند که شاعر بدون حمد و ثنا، وارد تنهٔ اصلی قصیده می‌شود. به قصایدی که «شاعر بدون ذکر تغزل و تشبیب به تنهٔ اصلی قصیده وارد می‌شود، "قصاید مقتضب" گویند» (ر.ک: همایی، ۱۳۶۱، ج: ۱، ص: ۱۱۵).

به نام خداوند دارای داور<sup>(؟)</sup>

خدای لایزالی بندۀ پرور

خداوندی که عالم را به حکمت

به امر کاف و نون کرده منور...

کریمی کو رسول الله داده

به معنی منصب و محراب و منبر

محمد سرفراز هر دو عالم

محمد سرور و سالار و مهتر...

پس از حمد خدا و نعمت سید

بگوییم معجز بهتر ز گوهر

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۲۳۰)

### ۳-۹- تنهٔ اصلی قصیده، بخش داستانی

شاخصه اصلی گونه معجزنامه، ذکر داستان در تنهٔ اصلی قصیده است. قصه‌گویی یکی از شیوه‌های جلب مخاطب و تأثیر بر اوست. مناقب خوانان در معجزنامه‌ها، با توجه به موضوع سخن یا تأثیری که قصد دارند بر مخاطب خود به جای بگذارند، از شیوه‌های متنوعی برای ورود استفاده می‌کنند؛ اما در مجموع، انواع شیوه‌های ورود به داستان در معجزنامه‌ها را می‌توان به چهار دستهٔ زیر تقسیم کرد:

۱. دعوت مستمع به شنیدن داستان همراه با موضوع، درون‌مایه و اسناد؛
۲. شروع داستان با ذکر نام شخصیت؛
۳. شروع داستان با استفهام؛
۴. شروع داستان با نقل اول شخص همراه با موضوع، درون‌مایه و اسناد.

### ۱-۳-۹. دعوت مستمع به شنیدن داستان

یکی از رایج‌ترین شیوه‌هایی که برای ورود به داستان استفاده می‌شود، دعوت راوی از مستمع برای شنیدن داستان است و به نظر می‌رسد که دلیل بسامد زیاد این شیوه در نقل داستان‌های کهن، بیشتر در شفاهی بودن این نوع قصه‌ها، به ویژه معجزنامه‌ها است؛ زیرا مناقب خوانان در کوی و بوزن، به صورت شفاهی، این اشعار را نقل می‌کردند و شنوندگان، بی‌واسطه و مستقیم، داستان را از راوی دریافت می‌کردند. وقتی راوی مستمع را به شنیدن داستان دعوت می‌کرد، به این طریق، موجب جلب توجه مخاطب می‌شد. این دعوت به چند دستهٔ تقسیم می‌شود که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

### ۱.۱.۳.۹ دعوت مستمع به شنیدن داستان همراه با موضوع داستان

مستمع شو، ای برادر، یک زمان از جان و دل

گر تو را فرنگ و رای و دانش و عقل است یار

کاین چنین معجزدیگر نشنید از هیچ کس(؟)

بشنو و در گوش، گیرش همچو دُر شاهوار

(تذکرۀ عبداللطیف بیرجندی، برگ ۴۷)

### ۲-۱-۳-۹ دعوت مستمع به شنیدن داستان همراه با مأخذ داستان

معجزاتی را بیان آم ز معجزه‌ای او

بشنوید ای مؤمنان، این معجزات معتبر

راویان معتبر این را روایت کرده‌اند

همچو عباس ستوده، بوذر و سلمان دگر

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۱۹۴)

### ۳-۱-۳-۹ شروع داستان با ذکر نام خاص شخصیت اول داستان در قصه (آوردن نام و

صفات نبی مکرم اسلام در بیت آغازین قصه)

یکی از شیوه‌های جالب در شروع داستان، ذکر نام حضرت محمد<sup>(ص)</sup> در بیت آغازین داستان است و شاعر با آوردن نام حضرت در آغاز داستان، سعی دارد تمام توجه خواننده را به افعال، کنش و صفات ایشان معطوف دارد و شخصیت حضرت را برجسته کند:

نقل است زِ راویان که یکی روز مصطفا

بیرون کوفه بود بیابان و یک شجر

(همان: ۱۹۴)

### ۴-۱-۳-۹. شروع داستان با استفهام

یکی از شیوه‌های جالب در شروع داستان، آغاز داستان با حالت پرسشی است. در این روش، شاعر سعی دارد حس کنگناوی مخاطب را برانگیزد و او را درگیر یافتن پاسخ کند. این شیوه ورود به داستان می‌تواند تأثیر و کارکردهای مثبتی داشته باشد و از دو جنبه قابل بررسی است:

«نخست مسئلهٔ تلاش راوی برای کسب اعتماد روایت‌شنو و دیگری مسئلهٔ دوری و نزدیکی راوی و روایت‌شنو. در مورد نخست باید گفت که راوی با پرسش از روایت‌شنو در مورد خبر داشتن یا نداشتن از یک داستان، جنبه‌ای واقعی و حقیقی به داستان می‌دهد و به طور ضمنی بر این دلالت می‌کند که داستان ریشه‌ای تاریخی، واقعی و مستند دارد و ساخته و پرداخته خود راوی نیست و احتمال آگاهی یا عدم آگاهی روایت‌شنو از آن وجود دارد. تأثیری که این شیوه ورود به داستان در مورد دوم . یعنی دوری و نزدیکی راوی و روایت‌شنو. دارد، این است که سبب نزدیکی راوی و روایت‌شنو می‌شود؛ زیرا پرسش راوی از روایت‌شنو تعاملی دوستانه میان این دوراً موجب می‌شود» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۵۰۹-۵۱۰).

یکی دیگر از کارکردهای مثبت ورود به داستان، جلب نظر مخاطبان و ایجاد انگیزه لازم برای پیگیری روایت است. روش شاعر برای پرسش از مخاطب در این شیوه، به کار بردن فعل شنیدن به صورت استفهامی است:

معجزاتی را به نظم آرم ز اخبار رسول  
کاین چنین نشنیده باشی هرگز، ای اهل بصر  
آن شنیدستی که یک روزی ابوجهل لعین  
اشتری را سر برید و کرد در خاکش دفر؟  
(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۴۰۱)

### ۵-۱-۳-۹. شروع داستان با نقل اول شخص همراه با سند

در این شیوه، نقال به مخاطب اطمینان می‌دهد که این داستان را خود شنیده و موثق است:

شنیده‌ام خبری خوش زِ راویان سخن

زِ زید و بوذر و عمار و مالک [اشتر]

(همان: ۲۲)

### ۴-۹. مقطع معجزنامه‌ها

دربارهٔ مقطع معجزنامه‌ها باید گفت این نوع ادبی مانند دیگر قصاید مدحی با دعا به پایان می‌رسد: «طبق رسم شعراء، قصاید مدحی را با ایاتی که مشتمل بر دعای ممدوح باشد، ختم کنند. این قسمت از قصیده را "شریطه" می‌نامند و ادبای قدیم آن را "مقاطع قصیده" (حسن مقطع) می‌گفته‌اند» (همایی، ۱۳۶۱، ج: ۱، ۱۱۰). شعراء حُسن ختام معجزنامهٔ خویش را با ذکر چهارده معصوم<sup>۴</sup> پیوند می‌زنند که به‌نوعی بازگوکنندهٔ عقاید و باورهای شیعی ایشان است:

قادرا، پاکا، به حق مصطفی و مرتضی  
حق زهرا و حسن، دیگر حسین تاجدار،

حق زین‌العابدین و باقر و صادق دگر  
هم به حق موسی کاظم، شه عالی‌تبار،

حق سلطان خراسان و تقی و هم نقی  
هم به حق عسکری، آن صاحب جاه و وقار،

هم به حق مهدی و هادی، امام جن و انس  
قائم آل نبی، نقد شه دلدل‌سوار...،

لطف فرما... از وصال خویش برخوردار دار

از کمال مکرمت، ای راحم و آمرزگار!

(تذکرة عبداللطیف بیرجندی، برگ ۵۰)

## ۱۰. راوی در معجزنامه‌ها

راوی اصلی معجزنامه‌ها همان مناقب خوانان و نقالانی هستند که داستان‌هایی را در قالب معجزهٔ پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> و کرامت ائمهٔ معصومین<sup>(ع)</sup>، به ویژه حضرت علی<sup>(ع)</sup>، در کوی و بربزنه برای مردم عامه نقل می‌کنند و کاملاً محسوس هستند. آنان گاه خود شاعران بودند و اشعار خویش را برای مخاطبان می‌خوانندند و گاه درویشان کوچه‌گردی بودند که شعر نمی‌دانستند؛ اما اشعار شعرای شیعی را روایت یا نقل می‌کردند:

«اهمیت راوی در برخی مطالعات روایت‌شناسی به اندازه‌ای است که حتی از عناصر اصلی تعریف‌کنندهٔ روایت به شمار می‌آید؛ مثلاً "هاثورون" در تحلیل سازوکار روایت می‌گوید: "روایت توجه ما را متمرکز می‌سازد بر داستان که عبارت است از پی آمدن رخدادها." به پندر او در این پدیده، آنچه اهمیت مرکزی دارد، نقش آفرینی تعمق مکافه وار یک گوینده است که ما در مقام مخاطب در او خیره می‌مانیم» (توکلی، ۱۳۹۴: ۶۲).

راوی اصلی مناقب خوان یا شاعر به هیچ‌روی در قصه‌های معجزنامه وارد نمی‌شود و قصه‌های معجزنامه قلمرویی مشخص دارد؛ هرچند در برخی از معجزنامه‌های طولانی، گاه گریزهایی بسیار کوتاه و در حد اشاره، از راوی اصلی دیده می‌شود. در معجزنامه‌ها، شاعر یا مناقب خوان روایتگری یک روایت دینی را نمی‌کند؛ بلکه نقال روایت محدثان دربارهٔ معجزات پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> است.

در یک نگاه کلی، مناقب خوانان خود را راوی روایت افراد معتبر و کتاب‌های معتبر می‌دانند و وقتی سخن از راوی درونه‌ای بربازان می‌آورند، «اعتبار و اصالت روایت خود را با

عدم دخالت مستقیم در آن و واقعی جلوه دادن آن افزایش می‌دهند. در این حالت، راوی به گزارشگری تبدیل می‌شود که به مستندسازی بسنده می‌کند» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). یکی از امتیازات خاص معجزنامه‌ها، مستند و معتبر بودن سند روایی بخش داستانی آن برای راوی اصلی است: «راوی سعی می‌کند داستان خود را به افراد معتبر نسبت دهد تا از این طریق بر صحت روایت و میزان اعتماد مخاطب بیفزاید».

در هر روایت ادبی، حداقل یک راوی درونه‌ای می‌توان یافت؛ اما در معجزنامه‌ها، گاه ممکن است در روایتی چندین راوی درونه‌ای متفاوت وجود داشته باشند. راویان اصلی - مناقب خوانان یا شاعران - سعی می‌کنند با شگردهای متنوعی بر اعتماد مخاطب خود بیفزایند و در مسیری حرکت کنند که اگر نیاز باشد در جایی از داستان رفع ابهام شود، حضور یابند و به روشن‌سازی کمک کنند.

در نگاه کلی، سه نوع روایتگر در این نوع ادبی مطرح است: ۱. شاعر که راوی یک روایت دینی است و شعرش توسط مناقب خوان در کوی و برزن خوانده می‌شود؛ ۲. نقال که خود قریحهٔ شعرگویی دارد و راوی یک روایت دینی است؛ ۳. راوی درونه‌ای که اصل روایت دینی از او نقل می‌شود. در این مقاله، برای تمیز این سه راوی، از سه اصطلاح «شاعر»، «نقال» و «راوی درونی» استفاده می‌شود.

## ۱-۱. شگردهای مناقب خوانان یا شاعران برای تأکید بر اعتمادپذیری خود و تقویت آن

چنان‌که گفتیم، راوی اصلی - مناقب خوان یا شاعر. فقط به رفع ابهامات در این زمینه بسنده نمی‌کند؛ بلکه از شگردهایی برای تأیید و اعتمادسازی استفاده می‌کند:

«انواع این شگردها عبارت‌اند از ایجاد سطوح چندگانهٔ راویان و استفاده از راویان قابل اعتماد، ذکر منبع موثق و معتبر برای داستان‌ها یا سخنان تفسیری، ذکر مکان واقعی

برای داستان‌ها و ارجاع روایت‌نیوش به آن‌ها، با شک روایت کردن رویدادهای جزئی و بی‌اهمیت داستان و عدول راوی از سخن پیشین خود.» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۲۱۴-۲۱۵) در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

### ۱-۱-۱. استفاده از راوی درون داستانی

یکی از راه‌های کسب اعتماد مستمع، انتخاب راوی در درون داستان از میان شخصیت‌های مطمئن و دارای وجهه مثبت است که این شیوه اعتبار روایت را افزایش می‌دهد؛ چنانکه در معجزنامه‌ها، مناقب خوان می‌گوید این داستان را از امام صادق<sup>(۱)</sup> یا از جابر انصاری یا از سلمان و... شنیدم؛ یعنی داستان را با ذکر ناقل روایت، بیان می‌کند. مناقب خوانان،

«می‌توانستند از عبارت‌های کلیشه‌ای، مانند عبارت آغازین "روزی، روزگاری" یا "آورده‌اند"، برای شروع داستان استفاده کنند؛ اما چنین آغازی به قابل اعتماد بودن داستان کمک نمی‌کند؛ زیرا راوی دانا قابل اعتمادتر از راوی ناشناس یا عادی است. به علاوه، حس کنیجکاری مستمع با گذراز این چارچوب‌های روایی، افزایش می‌یابد» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

شنوگر مؤمن پاک<sup>۱</sup> تو از جان

زِ من یک معجزات خوبِ درخور

چنین آمد به اخبار و به اسناد

زِ سلمان و زِ عَمَّار و زِ بوذر

که در مسجد نشسته بود سید

رسول ابطحی، سالار محشر

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۱۰)

۱. احتمالاً «پاکی» است.

## ۱۰-۲. استفاده از منبع موثق و معتبر برای داستان

راوی منبع برعی از داستان‌ها را ذکر می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها، قرآن و کتاب‌های روایی معتبر نزد مسلمانان هستند.

«راوی از همان آغاز، داستان را با نسبت دادن به خبر و حدیث، مستند می‌سازد و اعتمادپذیری روایت خود را به دلیل سندیت داشتن آن، افزایش می‌دهد. این نحوهٔ شروع دقیقاً معادل همان فرمول و مدل کلیشه‌ای "حکایت کرده‌اند" یا "آورده‌اند" برای شروع قصه‌هاست؛ اما راوی در اینجا به جای کلمهٔ "حکایت"، از "خبر" استفاده کرده که دارای بار معنایی غنی‌تری است و داستان را موثق می‌کند» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۲۹۴).

شنیده‌ام خبری خوش زِ راویان سخن

زِ زید و بوذر و عمار و مالک [اشتر]

درین خبر، خبری خوب‌تر بیافته‌ام

زِ هر خبر که بگفتند، خوانده‌ام دفتر

روایت است که این قول را به صد [؟]

نوشته‌اند بزرگان و داده‌اند خبر

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۲۲)

البته روایاتی نیز وجود دارند که مناقب خوانان اظهار می‌کنند که خود آن‌ها را شنیده‌اند و هیچ‌گونه سندی برای وثوق آن‌ها ارائه نمی‌دهند و از میزان اعتمادپذیری روایت می‌کاهمند. این‌گونه از معجزنامه‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. شاعر منبع و سند مشخصی برای نقل داستان‌های خود ندارد و می‌گوید این روایت را فردی روایت کرده است:

### روایت کرد راوی این حکایت

که در عهد نبی، رب داور...

(همان: ۵)

۲. شاعر، بحث راوی و روایت را مطرح نمی‌کند و بعد از حمد و ثنای خداوند و پیامبر، بی‌درنگ وارد بخش داستانی می‌شود:

پس از حمد خدا و نعت سید

بگوییم معجز بهتر ز گوهر

یکی روزی نشسته بُد به مسجد

رسول هاشمی، سالار محشر

(همان: ۲۳۰)

۳. شاعر با به کار بردن واژه «شنیدستی» در خطاب به مردم، به آن‌ها اشاره می‌کند و در ادامه به بیان داستان می‌پردازد. این روایت چنان شهره است که قطعاً شما آن را شنیده‌اید:

آن شنیدستی که یک روزی ابوجهل لعین

اشتری را سر برید و کرد در خاکش دفر

(همان: ۴۰۱)

معجزات مصطفاً دانم<sup>۱</sup> شنیدستی بسی

از بزرگان هر کسی از عالمان و راویان

(همان: ۳۶۲)

---

۱. در نسخه کلمه نقطه ندارد. شاید «دانم» باشد.

### ۳-۱-۱۰. ذکر مکان واقعی برای داستان‌ها

یکی دیگر از راه‌هایی که مستمع به صحت روایت راوی اعتماد می‌کند، «استفاده راوی از یک مکان (Setting) مستند برای داستان است که غیرمستقیم به داستان بار تاریخی و واقعی می‌دهد» (بامشکی، ۱۳۹۳: ۲۱۸). در معجزنامه‌ها، به‌طور معمول، معجزه در زمان حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> و در شهرهای مکه و مدینه اتفاق می‌افتد. البته برخی از معجزات بعد از زمان حیات ایشانند که حالتی فرامکانی به داستان می‌دهند و ممکن است در هر شهری که دوست‌داران نبی مکرم<sup>(ص)</sup> در آن حضور دارند، نظیر بصره، کوفه، دمشق و... اتفاق بیفتد:

معجزاتی را بیان آرم ز معجزه‌ای او  
بشنوید ای مؤمنان، این معجزات معتبر  
راویان معتبر این را روایت کرده‌اند  
همچو عباس ستوده، بودرو سلمان دگر  
بعد پیغمبر چنین گفتند کاندر بصره بود  
مال‌دار منعمی با جاه و قدر و سیم وزر  
(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۱۹۴)

البته در جنگ علی بن احمد، راوی معجزه‌ای را نقل می‌کند که نشان می‌دهد این معجزه در زمان حیات پیامبر<sup>(ص)</sup>، در شهر کوفه اتفاق افتاده است:

نقل است زِ راویان که یکی روز مصطفا  
بیرون کوفه بود بیابان و یک شجر  
(همان: ۱۱)

از این سخن می‌توان دو تعبیر داشت: ۱. راوی می‌خواهد جنبهٔ تخیلی معجزهٔ خویش را افزایش دهد؛ ۲. راوی معجزهٔ پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> را با ولایت‌نامهٔ حضرت علی<sup>(ع)</sup> که در کوفهٔ روی داده، خلط کرده است.

#### ۴-۱-۱۰. جلوه‌های خطاب راوی در معجزنامه‌ها

اسلوب خطاب در ادبیات کهن با شیوه‌های متنوعی همراه بوده و یکی از راه‌های ارتباط راوی با مخاطب است. ازانجایی که معجزنامه‌ها در زمرة ادبیات تعلیمی هستند، مخاطب در مرکز توجه قرار دارد. دایرهٔ مخاطب روایت در معجزنامه‌ها، طیف گسترده‌ای از مخاطبان هستند که پیوسته خطاب می‌شوند؛ تا جایی که حتی بعضی از ردیف‌ها خطابی‌اند. در معجزنامه‌ها، به دلیل اینکه مخاطب این نوع ادبی همهٔ مسلمانان، اعم از شیعیان و اهل تسنن هستند، لفظ‌های خطاب به‌طور معمول به شکل خطاب عام در روایت ظاهر می‌شوند که بر ساخته از صفاتی مثبت هستند؛ مانند ای هنرور، ای مؤمن، ای جماعت، ای اهل بصر و ای امتنان.

ای جماعت، این یکی از معجزات مصطفی‌است

معجز او هست افون از نجوم و از شمان (؟)

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۳۶۴)

#### ۱۱. موتیف‌ها در معجزنامه‌ها

معجزنامه‌ها از نظر مضامین طرح شده در آن‌ها بر حول محورهای متعددی حرکت می‌کنند:

##### ۱۱-۱. علم غیبی و آگاهی حضرت رسول<sup>(ص)</sup>

برخی از معجزنامه‌ها بر محوریت علم غیبی پیامبر<sup>(ص)</sup>، پیش‌گویی‌ها و آگاهی ایشان از امور غیبی و مواردی هستند که افراد معمولی از درک آن‌ها عاجزند؛ برای نمونه،

معجزنامه‌ای در جُنگ اشعار شیعی نقل می‌شود که در آن، پیامبر<sup>(ص)</sup> به منزل حضرت علی<sup>(ع)</sup> و حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> برای مهمانی تشریف می‌برد؛ اما آن‌ها چیزی در منزل برای پذیرایی ندارند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> برای تهیهٔ خوراکی، از خانه خارج می‌شود. در راه بازار، برای ایشان اتفاقاتی رخ می‌دهد. هنگامی که آن حضرت به خانه بازمی‌گردد، پیامبر<sup>(ص)</sup> از تمام حوادث آگاه بوده و دربارهٔ شخصیت‌هایی که با آن‌ها مواجه شده است، با حضرت سخن می‌گوید (ر.ک: جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۲۸). نمونهٔ دیگری از معجزات پیامبر<sup>(ص)</sup> که نشان از علم و آگاهی غیبی ایشان دارد، داستانی است که در همین جنگ اشعار شیعی با عنوان «معجز حضرت رسالت‌پناه» آمده است؛ ابوجهل برای پیامبر<sup>(ص)</sup> توطئه‌ای چید تا حضرت را جلوی اصحاب تحریر کند و سؤالاتی از ایشان پرسید که حضرت رسول به امر خدا ویاری جبرئیل، به همهٔ آن‌ها پاسخ داد. پاسخ سؤالات نشانهٔ ارتباط ایشان با عوالم غیبی بود:

گفت: ای سید، در این انبان چه چیز است، ای نبی؟

من مسلمان، می‌شوم با جملهٔ گبران سربه سر...

گفت سید با ابوجهل لعین کای بوالحکم  
اشتری بوده است اnder خاک و گل پیچان مگر

استخوان‌های ورا خشخاش کرده استی به هم  
وندرین انبان، نهادی این زمان اnder نظر...

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۴۰۲)

## ۱۱-۲. برکت وجود و حضور حضرت رسول<sup>(ص)</sup>

برخی از معجزنامه‌ها بر محوریت برکت وجودی پیامبرند. در این معجزنامه‌ها، معجزاتی از پیامبر نقل می‌شوند که حاصل امری هستند که به سبب برکت حضور یا دعای ایشان رخ

داده است؛ برای نمونه، معجزنامه‌ای در دیوان سلیمی تونی آمده است که پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> همراه با جمع کثیری از یاران خویش، به مهمانی جابر انصاری تشریف بردند. در این مهمانی، به برکت وجودی و تبرک دست ایشان، خمیر نان و گوشت دیگ پربرکت شد و اصحاب کثیری از غذای اندک سیر شدند و باز هم غذا اضافه ماند. همچنین منزل جابر کوچک و تنگ بود و به برکت وجود پیامبر<sup>(ص)</sup>، خانه بزرگ شد:

اول آن معجزه که اصحاب نبی در جای تنگ

جمله گنجیدند و خانه شد گشاده منتها

دیگر از بزغاله واژ چار من جو، لشکری

سیر خوردن و طعامش بود در سفره به جا

(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۱)

### ۱۱-۳. تصرف حضرت رسول<sup>(ص)</sup> بر طبیعت و امور طبیعی

تعدادی از معجزنامه‌ها بر محور کارهای خارق العاده و شگفت حضرت در برابر طبیعت و امور طبیعی هستند. تقریباً می‌توان ادعا کرد که بیشتر معجزنامه‌ها در این دسته جای می‌گیرند که خود به انواعی تقسیم می‌شوند.

### ۱۱-۳-۱. زنده‌گردن مردگان

در برخی از معجزنامه‌ها شاهدیم که به اذن الهی و به دعای پیامبر<sup>(ص)</sup>، حیوان ذبح شده یا انسان فوت شده یا درخت خشک شده زنده می‌گردد؛ برای نمونه، در جنگ اشعار شیعی، معجزنامه‌ای نقل شده است که در آن قومی جهود از پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌خواهند که یک درخت نخل خشک را متمرکند. حضرت دعا می‌فرماید و نخل بارور و سبز می‌شود:

گفتند: اگر چنان‌که تو هستی رسول حق

این نخل خشک را به دعا آر در ئمر

آن صدر کائنات بگفتا که یا اله

کین نخل خشک را به کرم آورش به بر

در دم، یکی نسیم برآمد، برو وزید

فی الحال گشت سبزو شدش شاخ با رور

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۱۳)

معجزنامه‌ای از محمد منور در جنگ اشعار شیعی آمده است که در آن گوسفندي که صاحب خانه برای پذیرایی از پیامبر<sup>(ص)</sup> ذبح کرده بود، به دعای ایشان زنده می‌شود. البته علاوه بر مورد ذکر شده، معجزاتی دیگر نیز از پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> در آن کتاب بیان شده است: ۱. به مهمانی رفتن پیامبر<sup>(ص)</sup> همراه با جمع کثیری از یاران خویش و سیرشدن همه از غذا، با توجه به کمبودن غذا در برابر تعداد مهمانان؛ ۲. خالی نشدن طعام از کاسه‌ای که پیامبر از آن تناول می‌کردند:

چون صحابه جملگی گشتند سیر از آن طعام

خورد ازو لختی پیمبر، سوره هر دو جهان

کاسه بر حال نخستین برنها ده پُر ترید

پیش احمد، آن رسول کردگار مستعان...

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۳۶۳)

در دیوان سلیمی تونی، روایتی دیگر از به مهمانی رفتن پیامبر<sup>(ص)</sup> به منزل جابر انصاری نقل شده است که در آن، فرزندان فوت شده جابر به اذن الهی و به دعای

حضرت رسول<sup>(ص)</sup>، زنده شدند:

در دم از انفاس پیغمبر به جنبش آمدند

همچو شاخ سرو کاندر جنبش آید از صبا

(دیوان سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۰)

### ۲-۳-۱۱. سخن‌گفتن با جماد، نبات و گیاه

در برخی از معجزنامه‌ها، شاهد گفت و گوی حضرت<sup>(ص)</sup> با سنگ، درخت نخل، شترو... هستیم؛ برای نمونه، در معجزنامه‌ای در جنگ ۱۳۶۰۹ کتابخانه مجلس، حضرت<sup>(ص)</sup> در مقام قاضی میان یک شترو و شتربان به تصویر کشیده می‌شود. در این حکایت، شتربانی از شتر لجوج خویش شکایت می‌کند و شتر به پیامبر<sup>(ص)</sup> علت سرکشی خود در برابر شتربان را بی‌نمایی وی بیان می‌دارد (ر.ک: جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۴۰۱). در داستانی دیگر، به امر خدا و به خواست نبی مکرم<sup>(ص)</sup> درخت نخلی به پیامبری حضرت خاتم گواهی می‌دهد و اشاره می‌کند که مشتاق دیدار پیامبر<sup>(ص)</sup> بوده است:

به نطقِ بس فصیح آن نخل زیبا

شهادت داد و عرضه کرد یکسر

که من مشتاق دیدار تو بودم

مرا حاصل بشد دیدار اظهر

(جنگ اشعار شیعی، ۱۳۹۸: ۲۳۲)

### ۲-۳-۱۱. تغییر و بی‌اثر شدن صفات طبیعی و ذاتی در امور طبیعی و طبیعت

این نوع از معجزنامه‌ها، معجزاتی را شامل می‌شوند که حضرت رسول<sup>(ص)</sup> برای اثبات نبوت خود، از سوی خدا اجرا می‌کردند. این‌گونه معجزات زمانی شکل می‌گرفتند که شخصی از پیامبر<sup>(ص)</sup> معجزه‌ای را طلب می‌کرد؛ برای نمونه، در تذکرۀ عبداللطیف

بیرجندي، معجزنامه‌اي از مولانا آتشي شيرازی نقل شده که داستان شق القمر را دست‌مايه آفرينش ادبی خويش قرار داده است. اصل اين معجزنامه ريشه قرآنی داشته و به آيه دوم سوره قمر اشاره دارد: «أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ: آن ساعت (قيامت يا قيام رسول حق) نزديك آمد و ماه آسمان شکافته شد». در اين داستان، ابوجهل از پيامبر<sup>(ص)</sup> می‌خواهد که قرص ماه را در وسط آسمان به دونيمه تقسيم کند:

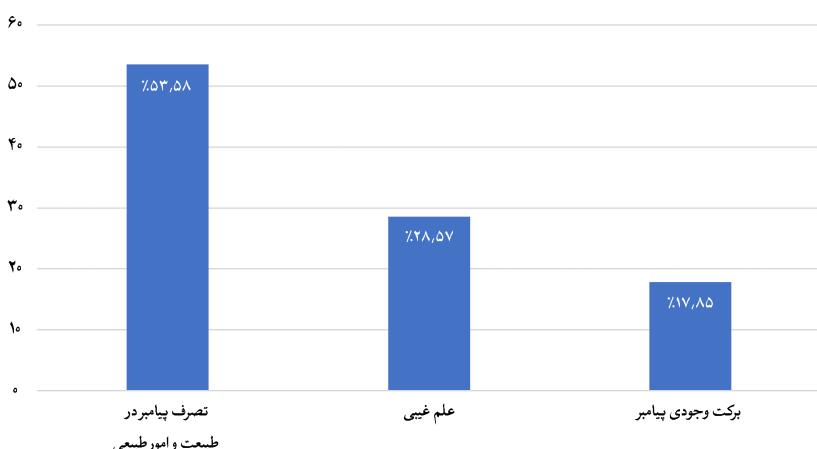
بر فلك خواهم که قرص ماه راسازی دونيم

تا بيینند آشکارا جمله خلق روزگار

(تذكرة عبداللطيف بيرجندي، برگ ۴۹)

بعد از درخواست ابوجهل، جبرئيل بر پيامبر<sup>(ص)</sup> نازل شد و فرمود: «خداؤند امر کرده است که از جفای مشركان ناراحت نباش و انگشت اشاره خود را به سمت آسمان حرکت بده تا قدرت حق را ببینی». پيامبر<sup>(ص)</sup> چنین کردند و به امر خدا، آنچه ابوجهل خواسته بود، انجام شد.

#### نمودار فراوانی انواع معجزات در معجزنامه‌ها



نمودار ب. نمودار فراوانی انواع معجزات در معجزنامه‌ها

از میان بیست معجزنامه گردآوری شده، حدود ۵۳/۵۸ درصد از موتیف معجزنامه‌ها مربوط به تصرف حضرت رسول<sup>(ص)</sup> بر طبیعت و امور طبیعی است که خود به انواع متنوعی تقسیم می‌شود. ۲۸/۵۷ درصد از موتیف معجزنامه‌ها مربوط به علم غیبی و آگاهی حضرت رسول<sup>(ص)</sup> و ۱۷/۸۵ درصد از موتیف معجزنامه‌ها مربوط به برکت وجودی و حضوری حضرت رسول<sup>(ص)</sup> است.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

با مروری بر اشعار شیعی، گونه معجزنامه در این مقاله به عنوان یک نوع ادبی پیشنهاد شد. این نوع ادبی زمانی ظهر کرد که به دلایل متعددی، از جمله گسترش سرزمین‌های اسلامی، ترجمة آثار یونانی به عربی، ورود نومسلمانان به اسلام، جدال گروه‌های فکری و عقیدتی مختلف بر سر حقانیت نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و...، جامعه اسلامی دچار شک و تردید درباره رسالت حضرت رسول<sup>(ص)</sup> شده بود. در این شرایط، برخی از شاعران شیعی و مناقب خوانان، سعی کردند اشعاری را با زبانی ساده و روان و مطابق درک و فهم عامه مردم بسازند. تمام هم‌وغم ایشان تبلیغ و ترویج بن‌مایه‌های اصیل فکری، روایی، حدیثی، تاریخی و کلامی شیعیان در قالب نظم بوده است. هرچند مستندبودن روایات در معجزنامه‌ها از ضروریات شاعران در سرایش این نوع ادبی است، مخاطبان این گونه ادبی اغلب مردم عامه و علاقه‌مند به شنیدن معجزات حضرت محمد<sup>(ص)</sup> بوده‌اند. این نوع ادبی ساختار و محتوای مشخصی دارد که به آن اجازه می‌دهد در قالب یک گونه ادبی مستقل بررسی شود. معجزنامه‌ها، از نظر ساختاری، در قالب قصیده سروده شده و ذکر داستان معجزات نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> یکی از عناصر اصلی آن است که در تنۀ اصلی قصیده جای دارد. شاعران برای جلب اعتماد مخاطب، از راوی درونه‌ای و منابع معتبر در ذکر روایت بهره برندند. موتیف‌ها را در معجزنامه‌ها می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: ۱. علم غیبی و آگاهی حضرت رسول<sup>(ص)</sup>؛ ۲. برکت وجود و حضور حضرت رسول<sup>(ص)</sup> و ۳. تصرف حضرت رسول<sup>(ص)</sup> بر طبیعت و امور طبیعی.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بامشکی، سمیرا (۱۳۹۳). روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. تهران: هرمس.
۳. بختیاری، شهلا و مونا امیری (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی معجزهٔ پیامبر در کتاب شرف النبی واعظ خرگوشی». جستارهای تاریخی. س. ۸. بهار و تابستان. ش. ۱. صص ۲۲-۳۹.
۴. بهرامیان، مسعود و علی حسینی قمصی (۱۳۹۲). «زمینه‌ها و علل شکل‌گیری کتب دلائل». تاریخ‌نامهٔ خوارزمی. س. ۱. پاییز. ش. ۱. صص ۳۵-۵۵.
۵. بیرجندی، عبداللطیف (ق ۱۰ ق). تذکرة عبداللطیف بیرجندی. نسخهٔ خطی موجود در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی. شماره ۵۱۷ سنا.
۶. پارساپور، زهرا (۱۳۸۱). مقایسهٔ زبان حماسی و غنائی با تکیه بر خسرو و شیرین و اسکندرنامهٔ نظامی. تهران: دانشگاه تهران.
۷. توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۴). از اشارت‌های دریا (بوطیقای روایت در مثنوی). تهران: مروارید.
۸. چلونگر، محمدعلی و مهناز کوهی (۱۳۹۱). «نقد و بررسی کتاب ابوبکر بیهقی و دلائل النبوة». آینهٔ پژوهش. س. ۲۳. خرداد و تیر. ش. ۲. صص ۷۸-۸۲.
۹. زرقانی، سید مهدی و سید جواد (۱۳۹۶). «رویکرد ژانری در مطالعات تاریخ ادبی». نامهٔ فرهنگستان. دوره ۱۶. زمستان. ش. ۲. پیاپی ۶۲. صص ۳۶-۵۶.
۱۰. زرقانی، سید مهدی و محمود رضا قربان صباح (۱۳۹۵). نظریهٔ ژانر. تهران: هرمس.
۱۱. سلیمی تونی، تاج الدین حسن (۱۳۹۰). دیوان سلیمی تونی. به کوشش عباس رستاخیز و مقدمهٔ حسن عاطفی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۲. شعرای گمنام معروف به جنگ (بی‌تا). جنگ اشعار. نسخهٔ خطی موجود در

- کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ش ۱۳۶۰۹.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). انواع ادبی. تهران: فردوس.
۱۴. علی بن احمد (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی. تحقیق و تصحیح زهرا پارس‌اپور و اکرم کرمی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۵. فتوحی، محمود (۱۳۹۱). سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
۱۶. قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه در برابر گونه: بحثی در قلمرو نظریه انواع ادبی». نقد ادبی. س ۳. تابستان. ش ۱۰. صص ۶۳-۹۰.
۱۷. ——— (۱۳۹۱). «درآمدی بر نظریه گونه‌های ادبی». ادب پژوهی. بهار. ش ۱۹. صص ۲۹-۵۶.
۱۸. کاشی، حسن (۱۳۸۸). دیوان حسن کاشی. به کوشش عباس رستاخیز و مقدمه حسن عاطفی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۹. نادعلی‌زاده، مسلم (۱۳۹۴). گونه‌شناسی ادبیات منظوم شیعی در ایران (از آغاز صفویه تا پایان قاجار). پایان‌نامه دکتری. دانشکده ادبیات دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۰. همایی، جلال الدین (۱۳۶۱). فنون بلاغت و صنایع ادبی. ج ۱ و ۲. تهران: توس.